**( 168 )**

**هو الله**

ای طیب طیب اشعار بلیغانه ملاحظه گردید این سخن آهنگ روحانی بلبل چمن بود هر چند در نهایت حلاوت بود ولی فصاحت و بلاغت آنست که قصائدی در ستایش جمال قدم انشاء و انشاد گردد زیرا اسم اعظم وحده باید ممدوح روحانیان باشد و مقصود عارفان و محبوب عاشقان من نهایت محبت را بآن یار مهربان دارم و همیشه بیاد او هستم فی الحقیقه منجذبی و مشتعل و ثابتی و راسخ و متذکری و مبتهل و متضرعی و متذلل لهذا البته انواع الطاف شامل گردد و آثار روح و ریحان لائح شود و کام دل و راحت جان در دو جهان میسر گردد اگر چنانچه اسباب بجهت حضور و رجوع مهیا که بنهایت روح و ریحان و رفاهیت تام مشرف بآستان شوی و سر بتربت پاک نهی و درگاه حضرت دوست را زیارت نمائی مأذونی جمیع احبای الهی را از قبل عبدالبهآء تحیت و ثنا و نهایت محبت و ولا ابلاغ نما در این کشور مصری هر صبح و عصری بافق ابهی عجز و نیاز آرم و تضرع و نماز کنم و یاران روحانی را تأییدی ربانی طلبم و عزیزان سمنانرا موهبت رحمان جویم و آن نفوس مبارکه را توفیق بر نشر نفحات خواهم یقین است که رجای عبدالبهآء در ساحت کبریا روا خواهد گشت و آن مرغان گلشن هدایت و تذروان حدیقه حقیقت بنغمه و آهنگ آیند و ولوله و غلغله‌ئی در این جهان افکنند و چنان ضجیجی بلند نمایند که بملکوت ابهی رسد ولی بحکمت و علیهم البهآء الابهی (ع ع)